

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۱/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۵/۰۸

اولویت‌بندی مهمترین موانع اشتغال زنان روستایی شهرستان چرداول - با کاربرد تحلیل شبکه‌ای (ANP)

معصومه جمشیدی*

دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، استاد مدعو دانشگاه غیر انتفاعی باختر ایلام

علی‌رضا جمشیدی

دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه اصفهان

فاطمه جمشیدی

دانش‌آموخته مهندسی توسعه روستایی، دانشگاه گیلان

چکیده:

با توجه به اهمیت اشتغال زنان روستایی در اقتصاد خانواده و کاهش فشار اقتصادی ناشی از کمبود درآمد در خانوار روستائیان، مطالعه حاضر موانع اشتغال زنان روستایی شهرستان چرداول را شناسایی کرده و به کمک ۱۲ تن از کارشناسان خبره سازمان جهاد کشاورزی شهرستان چرداول، موانع مذکور را با استفاده از فرایند تحلیل شبکه‌ای اولویت‌بندی نموده است. اطلاعات مورد نیاز از طریق تکمیل پرسشنامه از کارشناسان گرفته شده در سال ۱۳۹۴ گرد-آوری شده است. برای انجام محاسبات از نرم افزار Super Decision استفاده شده است. نتایج نشان داد که موانع اشتغال زنان روستایی این شهرستان به ترتیب عبارتند از: وظیفه مادری، ناتوانی در رقابت برای دریافت کار، پایین بودن قدرت چانه‌زنی زنان، مردانه بودن برخی مشاغل، اختلاف دستمزد مرد و زن، عدم آموزش مشاغل، تحصیلات غیر مرتبط، نوع مشاغل و سرمایه بر بودن آنها، توانایی جسمانی پایین، وظیفه تربیت فرزند، تعصبات خانوادگی، وظیفه خانه‌داری، کار خانگی بدون دستمزد، عاطفی بودن زنان، بیسوادی و کم‌سوادی زنان، زشت بودن اشتغال زنان و وضعیت مالی مناسب.

مقدمه و طرح مسئله

زنان حدود نیمی از جمعیت جامعه روستایی را تشکیل می‌دهند و دارای وظایف و نقش‌های متعددی هستند. از جمله همسرداری، کدبانوگری، تولید و تبدیل فرآورده‌های کشاورزی مانند ماست، پنیر و غیره و حفظ و نگهداری آنها و کار در مزارع خانگی، تهیه آب و وسایل سوخت، کار به صورت مزد بگیر و ... می‌باشند. زنان روستایی با انجام فعالیت‌های درون منزل (آماده کردن غذا، پختن، شستن، نگهداری و محافظت از فرزندان و...) و فعالیت‌های بیرون منزل (مانند کشاورزی، دامپروری و ...) و صنایع دستی نقش مهمی را در رسیدن به توسعه روستایی ایفا می‌کنند. زن در تولید غذا، نقش کلیدی در غلبه بر گرسنگی و سوء تغذیه بر عهده دارد. مطالعات متعدد نشان می‌دهد که در کشورهای جهان سوم، بخش کشاورزی پایگاه اصلی برای اشتغال رسمی زنان می‌باشد. زنان روستایی ایران از گذشته سهم عمده‌ای در تولید صنایع روستایی داشته و صنعت خود را با هنر توأم کرده‌اند و به این لحاظ در طول تاریخ ایران شاهکارهایی خلق نموده‌اند.

کلمات کلیدی: اشتغال، زنان روستایی، شهرستان چرداول، فرایند

تحلیل شبکه‌ای

نویسنده مسئول: معصومه جمشیدی، دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، استاد مدعو دانشگاه غیر انتفاعی باختر ایلام، masomeh_jamshidi@yahoo.com

۱۹۷۰ توجهات جهانی و پروژه‌های تحقیقاتی به سمت زنان جلب گردید. اعلام ۱۹۷۵ به عنوان «سال جهانی زن» و در پی آن اعلام دهه زن از سوی سازمان ملل، توجه جهانیان را به نقش انکارناپذیر زنان در توسعه جلب کرد و انگیزه‌های لازم را در سازمان‌های بین‌المللی برای رفع تبعیض از زنان به وجود آورد (صالح نسب، ۱۳۷۸: ۳۷).

زنان روستایی شهرستان چرداول، مانند همه زنان روستایی کشور ایران، با مسائل و مشکلات متعددی در زمینه اشتغال و درآمدی مواجه هستند. این مسائل و مشکلات را از جنبه‌های مختلف می‌توان بررسی نمود. از جنبه فرهنگی، اشتغال زنان در بیرون از خانه به نوعی برای مردان کسر شأن بوده و مردان را به سوی ارزیابی‌های غیر منطقی و متعصبانه در مورد ناتوانی‌شان برای تأمین مخارج زندگی زنان می‌کشاند. علاوه بر این، به دلیل حاکم بودن تفکر "ضعیفه بودن" زنان و افکار قدیمی، مردان خانواده حضور زنان در بیرون از خانه را زشت دانسته و گاهی این حضور را نوعی خطر در ارتباط با مباحث آبرویی می‌دانند. از جنبه خانوادگی و عاطفی، زنان روستایی شهرستان مربوطه، اغلب دارای نقش‌های متعددی هستند که نمود عینی و شفاف آن، وظیفه مادری، همسری و خانه‌داری است. از نظر بعد اجتماعی، زنان روستایی این شهرستان از نظر سطح تحصیلات برابر با مردان بوده و حتی می‌توان گفت تا حدودی بهتر هستند، اما شاخص تحصیلات به عنوان یک امتیاز جهت اشتغال زنان عمل نکرده و اغلب آن‌ها، توانایی رقابت با مردان را در زمینه اشتغال ندارند. علاوه بر مطالب بالا، با توجه به اهمیت اشتغال زنان روستایی و نقش آنان در اقتصاد خانواده، و با توجه به توانایی زنان سرپرست خانواده در درآمدزایی و ادراه اقتصادی خانواده خود، اغلب کسی به آن‌ها به عنوان «نان آور» خانواده نگاه نمی‌کند. بنابراین، مسائل و مشکلات اشتغال آن‌ها به عنوان چالش مهم به چشم نیامده و سالیان سال است که همچنان تداوم دارد.

پژوهش حاضر با هدف اولویت‌بندی موانع اشتغال زنان روستایی شهرستان چرداول از دیدگاه کارشناسان سازمان

زنان صنعتگر روستایی از نظر اقتصادی کمک زیادی به معاش خانواده می‌کنند، زیرا در اکثر موارد درآمد همسر تأمین هزینه‌های زندگی را نمی‌کند و درآمد حاصل از صنایع روستایی و همچنین درآمد حاصل از فراورده‌های تولیدات دامی و زراعی که توسط زنان روستایی انجام می‌گیرد و تهیه می‌شود در برخی مواقع حتی از درآمد شوهرانشان هم بیشتر است (جمشیدی، ۱۳۸۲: ۶۱).

زنان روستایی به عنوان نیروی کار، تقریباً در تمامی بخش‌های اقتصادی روستا فعال هستند. این فعالیت‌ها همواره در ایجاد و یا بهبود درآمد خانوار مؤثر بوده است، ولی در بعضی از موارد منجر به کسب درآمد مستقل برای زنان می‌گردد که می‌توان به عنوان مشارکت زنان روستایی در بازار کار آن را مورد بررسی قرار داد (فلیسر و اپلبام، ۱۹۹۲: ۱۳). در خصوص اشتغال زنان باید گفت که در ایران نیز تقریباً همانند تمامی کشورهای جهان، موانعی در راه اشتغال زنان وجود دارد. بررسی‌های گوناگون نشان داده است که مسأله‌ی اشتغال زنان بیش از هر چیز تحت تاثیر دو عامل قرار دارد (سفیری، ۱۳۷۷: ۱۷)

۱- تعیین کننده بودن نگرش و شیوه برخورد مردان با اشتغال همسران خود.

۲- اهمیت و تقدس نقش مادری در جامعه و حتی در میان خود زنان ایرانی.

از دیدگاه برخی جامعه‌شناسان دو عامل یاد شده، وضعیتی را پدید آورده است که در بیشتر مناطق ایران به مسأله اشتغال زنان با دید منفی و انتقادی نگریسته می‌شود. زیرا با توجه به اینکه در جامعه ما نفقه از دیر باز وظیفه مردان شمرده می‌شده، داشتن همسر شاغل نزد بیشتر مردان، با گونه‌ای ارزیابی منفی از خویش و توان خویش همراه است (سفیری، ۱۳۷۷: ۱۸).

بر این اساس، در راستای اهمیت اشتغال زنان می‌توان اظهار نمود که، توسعه زمانی تحقق می‌یابد که تمامی افراد جامعه در آن مشارکت داشته باشند. تا دهه ۱۹۶۰ نقش زنان در توسعه چندان مورد ملاحظه قرار نمی‌گرفت در دستیابی به شاخص‌های توسعه، زنان غالباً از محدودیت بیشتری رنج می‌بردند. از سال

جهاد کشاورزی این شهرستان، و به منظور پاسخ به سوال اساسی زیر طراحی شده است: مهم‌ترین موانع اشتغال زنان روستایی شهرستان چرداول از دیدگاه کارشناسان سازمان جهاد کشاورزی شهرستان چرداول کدامند؟

پیشینه تحقیق

مطالعات متعددی در زمینه اشتغال زنان و مشکلات و موانع موجود بر سر راه آن انجام شده است. در زیر به بررسی برخی از آن‌ها پرداخته شده است.

شیبانی و افشاری (۱۳۸۰)، با استفاده از روش داده-ستانده، به محاسبه ضریب اشتغال زنان در بخش‌های مختلف اقتصاد، در دو بخش دولتی و خصوصی و بر پایه‌ی میزان سواد و مهارت پرداخته‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که تداوم فرایند خصوصی‌سازی در ایجاد شغل برای زنان با تحصیلات عالی محدود است، اما اثر آن در ایجاد شغل برای زنان دارای آموزش متوسط و پایین‌تر، مثبت است؛ به گونه‌ای که زنان بی‌سواد در بخش صنعت (منسوجات)، زنان با تحصیلات متوسط در بخش بهداشت، و زنان دانش‌آموخته در دو بخش آموزش عالی و آموزش و بهداشت دارای بالاترین ضریب اشتغال‌اند.

دادورخانی (۱۳۸۵)، در پژوهش خود به بررسی توسعه روستایی و چالش‌های اشتغال زنان پرداخت و در پایان به این نتیجه رسید که از بین عوامل تأثیرگذار بر اشتغال زنان، عامل درآمد خانوار، طبقه اجتماعی، سواد و انزوای جغرافیایی بیشترین اثر را بر جای گذاشته است. به عبارتی از سهم و نقش اشتغال زنان کاسته است.

شربتیان (۱۳۸۷) ابعاد و موانع اجتماعی اشتغال زنان را در مطالعه‌ای بررسی نمود. وی معتقد است که اشتغال زنان و شکل‌گیری توانمندی‌های این دو جنس در جامعه، در توسعه اقتصادی همراه با افزایش درآمد ناخالص ملی، سطح درآمد خانواده، حمایت اقتصادی از خانواده و احراز نظام‌های مدیریت، بسیار حائز اهمیت است. از نظر شربتیان، اشتغال زنان، از بعد اجتماعی در کنترل جمعیت، کاهش باروری، افزایش

سطح آگاهی خانواده و تغییر نگرش‌های خانواده نسبت به فعالیت اشتغال‌زایی زنانه در عرصه حوزه عمومی کار نقش بسزایی در توسعه اجتماعی جامعه داشته است. با این حال، هنوز موانع بیولوژیکی و شخصیتی، با تأکید بر ناتوانی فیزیکی و بنیه جسمی در زمینه فعالیت اشتغال زنان، وجود موانع فرهنگی، مانند تعصب، پیش‌داوری، تسلط قدرت مردان و عدم توجه به فعالیت و کار زن در جامعه وجود دارد. وجود موانع اجتماعی مانند عدم توجه به آموزش زنان، تمایز کاری میان اشتغال زنان و مردان و ... در شکل‌گیری عدم اشتغال این جنس در جامعه نقش بارزی داشته است؛ همچنین، وجود موانع اقتصادی چون عدم دستمزد برابر، سطح اختلاف دستمزدها، نابرابری درآمدها، نوع مشاغل و استثمار شغلی موجب شده است که نوعی ناپایداری در عرصه توسعه اشتغال زنان در جامعه وجود دارد.

جمشیدی (۱۳۹۱)، به بررسی عوامل مؤثر بر اشتغال زنان روستایی در شهرستان شیروان و چرداول از استان ایلام پرداخت. نتایج مطالعه وی نشان داد که با افزایش سال‌های تحصیلات، افزایش میزان زمین زراعی متعلق به زنان روستایی و افزایش تعداد افراد خانوار زنان روستایی احتمال اشتغال زنان روستایی شهرستان مورد مطالعه افزایش می‌یابد.

رفت‌جاه و خیرخواه (۱۳۹۲) در مطالعه خود مسائل و چالش‌های اشتغال زنان در ایران را از دیدگاه شاغلان پست‌های مدیریتی مورد بررسی قرار دادند. نتایج مطالعه آن‌ها نشان داد که همه مدیران به اهمیت اقتصادی، اجتماعی و روانشناختی اشتغال زنان باور داشتند. اما زنان بر ضرورت اقتصادی و مردان بر ضرورت اجتماعی اشتغال زن تأکید بیشتری داشتند. همچنین نظر غالب مدیران اعم از زن و مرد این بود که اشتغال زنان هم خود آنان و هم جامعه را متنفع می‌سازد، از این رو شایسته است موانع ساختاری و فرهنگی اشتغال آنان رفع و شرایط مناسب برای اشتغال بهینه آنان فراهم شود.

لیونز (۱۹۹۲)، معتقد است که تجربیات تحصیلی زنان برای گسترش دامنه شغلی آنها در آینده ضروری است. بر اساس

آمارهای موجود و پژوهش‌های تجربی حاکی از آن است که امروزه زنان در ایران جایگاه و منزلتی دو گانه دارد. از نظر شاخص‌های بهداشتی و آموزشی زنان ایرانی در شرایطی به مراتب بهتر از اکثر کشورهای منطقه قرار دارند، اما از نظر حضور در بازار کار و سهم درآمد در میان کشورهای در حال توسعه رتبه پایینی دارند (کریمی، ۱۳۸۰: ۲۰۹). مشارکت و نقش زنان در توسعه کشور، امری است که در چند دهه اخیر به آن توجه بسیار شده است، با این حال در این زمینه، زنان در جامعه با موانع و مشکلاتی مواجه هستند. بخشی از موانع موجود در زمینه اشتغال زنان ساختاری بوده و ریشه در ساختار اجتماعی جامعه دارد؛ و بخشی غیر ساختاری است. اکنون هر یک از این موانع را مورد بررسی اجمالی قرار می‌دهیم (راود، ۱۳۷۹: ۹).

موانع ساختاری

موانع ساختاری که زائیده شرایط و ساختارهای اجتماعی هستند، به سه بخش موانع فرهنگی، موانع اجتماعی و موانع اقتصادی تقسیم می‌شوند.

موانع فرهنگی

یکی از این موانع مهم، نگرش به زن به عنوان جنس دوم است. نگرش غالب در جامعه این است که نقش تربیت فرزند، نقشی است زنانه، و نقش پدر عبارت است از تأمین حوائج مادی خانواده، علت آن هم پایین بودن میزان اشتغال زنان است که باعث می‌شود زنان به طور طبیعی بیش از مردان با کودک ارتباط داشته باشند. در نتیجه طبیعی است که تربیت فرزندان را زن به عهده گیرد. در چنین شرایطی زنان اگر قصد پرداختن به فعالیت‌های اجتماعی را داشته باشند باید به اندازه دو نفر خانه-دار و شاغل کار کنند. معلوم است که این نگرش در نهایت موجب افزایش بار نقش، تنش نقش‌ها و سرانجام فرسودگی زود هنگام زنان شاغل خواهد شد (همان منبع، ۹).

موانع اجتماعی

مهمترین مانع اجتماعی، مسأله آموزش زنان است. زنان از ابتدا برای دستیابی به نقش خود به عنوان یک زن آموزش می‌بینند.

رویکرد وی، موفقیت شغلی و حرفه‌ای زنان در گرو کسب تجربیات تحصیلی است. همچنین برخورداری زنان از آموزش عالی به مشارکت بیشتر آنان در بازار کار کمک می‌کند. ژنگ و همکاران (۲۰۰۸)، به بررسی اشتغال مبتنی بر جنسیت و اختلاف درآمد در مناطق شهری چین: با توجه به سهم ازدواج و نقش والدینی پرداختند. آنها در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که تنها زنان بر اثر ازدواج و تشکیل خانواده، در هر دو موقعیت درآمد و اشتغال، تأثیر منفی گرفته‌اند.

یوسفی و براتعلی (۲۰۱۱)، در مقاله‌ای تحت عنوان زنان، اشتغال و تحصیل آموزش عالی، به این نتیجه رسیدند که زنان با سطوح آموزش عالی بالا از موقعیت‌های شغلی بهتری بهره برده‌اند. همچنین به این نتیجه رسیدند که آموزش عالی نقش کلیدی و مهمی در اشتغال و ارتقاء موقعیت کاری زنان دارد.

مبانی نظری تحقیق

تغییر نقش‌های سنتی زنان و تقاضای روز افزون آن‌ها برای مشارکت در عرصه‌های مختلف، امروزه به واقعیتی انکارناپذیر در جامعه ایران تبدیل شده است. این وضعیت حاصل دگرگونی در نظام ارزش‌ها، رشد اندیشه مردم سالاری، گسترش آگاهی‌های عمومی، افزایش تحصیلات تخصصی زنان و همچنین تغییر در ساختارهای اقتصادی و اجتماعی در دهه‌های اخیر است. اشتغال از دیدگاه کلان اقتصادی از جنبه‌های مختلفی همچون درآمدزایی، تولید و کارآفرینی، توسعه دانش و فناوری و غیره اهمیت دارد و از دیدگاه اجتماعی نیز به انسان منزلت، جایگاه و موقعیت اجتماعی و حس اعتماد به نفس می‌بخشد (پاسبان، ۱۳۸۵: ۱۵۴). حضور زنان در بازار کار بر حسب اوضاع محیطی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی هر کشور متفاوت بوده و به عوامل گوناگونی از جمله سطح تحصیلات زنان، سیاست‌های دولت در جهت تقویت سطح آموزش و اشتغال زنان، توزیع درآمد و هزینه خانوار، نرخ بیکاری، نرخ باروری، شرایط محیطی خانواده و سایر عوامل فرهنگی و اجتماعی بستگی داد (کریمی موعاری و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۴).

تفکیک شغل‌ها در همان اول زندگی دختر، توسط خانواده و سپس مدرسه، به او آموخته می‌شود. در تمام کشورهای در حال توسعه بر اساس آمارهای موجود یکی از تفاوت‌های بین زن و مرد در میزان باسوادی است. این عامل که مهمترین مانع اجتماعی است، زمینه را برای سایر موانع اجتماعی به وجود می‌آورد. عدم آموزش کافی در زنان، آنان را در یافتن شغل و دستمزد خوب و درآمد کافی و فرصت رشد و ارتقاء دچار مشکل می‌نمایند. و همین امر آنان را به سوی مشاغل ثانوی می‌کشاند (سفیری، ۱۳۷۷: ۸۹).

موانع اقتصادی

موانع اقتصادی را در سه مقوله کار خانگی بدون دستمزد، اختلاف سطح دستمزد زنان و مردان و نوع مشاغل بررسی کرد. یکی از مهمترین موانع اشتغال زنان، کار بدون مزد در خانه می‌باشد. ساعات زیادی که زنان در طول روز در خانه مشغول کارهای متفاوت می‌باشند، باعث می‌شود امکان کار در خارج از خانه را نیابند، یا به مشاغل نیمه‌وقت پردازند. در تمامی کشورها، زنان بیشتر کارهای خانه‌داری را انجام می‌دهند، حتی اگر شاغل باشند. خانه‌داری، مرکز عمده کار زنان است. در همه کشورها، فعالیت اقتصادی کاری محسوب می‌شود که در برابر آن مزد دریافت شود، و چون زنان برای کارهای مربوط به خانه مزدی دریافت نمی‌دارند، لذا کار آنان فعالیت اقتصادی محسوب نمی‌گردد. دومین مانعی که بر سر راه اشتغال زنان مؤثر می‌افتد، اختلاف سطح دستمزد زنان و مردان است. اختلاف در زمینه درآمدها، تا حدی ناشی از اختلاف در اشتغال است. عامل دیگری که در اختلاف درآمد بین مردان و زنان تأثیر دارد تفاوت در پرداخت درآمد است. در همه جا حقوق زنان کمتر از مردان است. به علاوه، مردان بیشتر به صورت تمام وقت کار می‌کنند و منفعت بیشتری نیز کسب می‌نمایند (سفیری، ۱۳۷۷: ۹۳).

موانع غیر ساختاری

موانع غیر ساختاری اشتغال زنان، موانعی هستند که ناشی از وضعیت فیزیولوژیک و نظام شخصیتی آنان می‌باشند. این

موانع گرچه ریشه در ابعاد زیست‌شناختی و روان‌شناختی زنان دارند، ولی تا حدودی از نظام فرهنگی و ارزش‌های اجتماعی نیز تأثیر می‌پذیرد. زن در رابطه با شغل تابع شرایط جسمانی و ساختمان روانی‌اش می‌باشد. بدین معنی که از عهده برخی از مشاغل به خوبی برآمده و از انجام پاره‌ای از کارها معذور است، چنانکه کارهای ظریف را که نیاز به دقت زیاد دارد به راحتی انجام می‌دهد، در حالیکه از عهده کارهایی که نیروی جسمانی زیادی می‌طلبد، از قبیل اشتغال در معادن بر نمی‌آید. در کشورهای مختلف شمار زنان شاغل در بخش‌های اداری و تجاری متفاوت است. در کشورهای در حال توسعه با وجود اینکه مشاغل منشی‌گری و معلمی هنوز از جمله گروه‌های شغلی است که در آنها مردان و زنان با هم به کار اشتغال دارند، اما گرایش اغلب در جهت زنانه شدن این مشاغل است (علویون، ۱۳۸۱: ۲۵-۲۴).

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی بوده و برای گردآوری اطلاعات به دو صورت عمل شده است: در مرحله اول با بررسی ادبیات تحقیق و مطالعه پیشینه پژوهش‌های متعدد در زمینه اشتغال زنان و موانع موجود در راه آن و بهره‌گیری از مطالعات کتابخانه‌ای، موانع اشتغال زنان روستایی شناسایی و در قالب یک مدل مفهومی تدوین شده است. در مرحله دوم به منظور اولویت‌بندی موانع اشتغال زنان روستایی شهرستان چرداول از نظر کارشناسان سازمان جهاد کشاورزی این شهرستان، مدل تدوین شده در راستای اصول تحلیل شبکه‌ای (ANP)^۱ به صورت پرسشنامه در آمده و در اختیار کارشناسان خبره جهاد کشاورزی شهرستان چرداول قرار گرفت.

در سال‌های اخیر از فرایند تحلیل شبکه‌ای جهت حل بسیاری از مسائل پیچیده تصمیم‌گیری در زمینه‌های مختلف به طور گسترده استفاده شده است. فرایند مذکور دارای چهار گام

^۱ -Analytic network process

که در آن، A ماتریس مقایسه زوجی، W بردار وزن‌ها، و λ_{\max} بزرگترین بردار وزن ماتریس A است. باید برای تمامی ماتریس‌های مقایسه زوجی، بردارهای اولویت محاسبه شود. همچنین، لازم است به منظور تعیین نرخ سازگاری مقایسه‌ها برای هر کدام از ماتریس‌ها، از شاخص نرخ سازگاری^۲ (C.R) استفاده شود. در صورتیکه $C.R \leq 0/1$ باشد، مقایسه‌ها به عنوان مقایسه‌های سازگار مورد پذیرش واقع می‌شوند (آذر و رجب‌زاده، ۱۳۸۱: ۷۷)، در غیر این صورت بهتر است تصمیم‌گیرنده در قضاوت‌های خود تجدید نظر کند. گام سوم- تشکیل ابرماتریس: ابرماتریس، مفهومی مشابه با زنجیره مارکف دارد. برای این منظور جهت محاسبه اولویت‌های نهایی مولفه‌ها در سیستم‌هایی با متغیرهای وابسته، تمامی بردار اولویت‌های اولیه به دست آمده از ماتریس‌های مقایسه دودویی، به درون ماتریسی ستونی وارد می‌شوند (یوکسل و داگ دویرن^۳، ۲۰۰۴: ۳۳۶۸).

گام چهارم-انتخاب بهترین گزینه: اگر سوپرماتریس تشکیل شده در مرحله سوم کل شبکه را پوشش دهد، وزن‌های اولویتی گزینه‌ها در ستون گزینه سوپرماتریس نرمال شده شکل می‌گیرند و گزینه با بالاترین وزن نهایی انتخاب می‌شود؛ که در واقع گزینه‌ای است که با محاسبه‌ها و عملیات ماتریس به دست آمده است (شرستا^۴ و همکاران، ۲۰۰۴: ۱۸۶).

جامعه آماری پژوهش حاضر کارشناسان سازمان جهاد کشاورزی شهرستان چرداول می‌باشد. برای تعیین حجم نمونه در مطالعه اولویت‌بندی موانع اشتغال زنان روستایی شهرستان چرداول که با استفاده از روش (ANP) انجام خواهد شد، از نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده است. در نمونه‌گیری هدفمند، محقق به دنبال نمونه‌هایی است که قادر به ارائه اطلاعات مورد نیاز تحقیق باشند. از این‌رو، افراد آگاه، مطلع و خبره در حوزه مورد نظر انتخاب می‌شوند (ساندرز^۵ و همکاران، ۱۹۹۰: ۱۲۱). از آنجا که فرایند تحلیل شبکه‌ای (ANP) از جمله روش‌های

اصلی است (ساعتی^۱، ۲۰۰۵: ۱۱). در زیر به بررسی چهار گام مذکور پرداخته شده است:

گام اول- ایجاد مدل و تدوین مسئله: در این مرحله باید مسئله به طور واضح بیان شده، به یک نظم منطقی مانند یک شبکه تجزیه شود. در این مرحله، هدف، معیار و گزینه‌های ممکن مشخص می‌شوند.

گام دوم- تشکیل ماتریس مقایسه‌های زوجی و محاسبه بردارهای اولویت: در این مرحله، مشابه فرایند تحلیل سلسله مراتبی، برای به دست آوردن اهمیت نسبی هر کدام از عوامل و معیارهای موثر در انتخاب هدف، مقایسه‌ها س زوجی در چارچوب یک ماتریس انجام می‌شود. همچنین، در صورت وجود ارتباطات درونی بین عناصر یک جزء، لازم است از مقایسه‌های زوجی برای آن‌ها نیز استفاده شود. اندازه‌گیری مقادیر اهمیت نسبی به کمک طیف ۱ تا ۹ صورت می‌گیرد که در آن امتیاز ۱ بیانگر اهمیت یکسان دو عامل و امتیاز ۹ نشان‌دهنده اهمیت مطلق یک عامل در مقایسه با عامل دیگر است. مقادیر متقابل نیز برای مقایسه معکوس در نظر گرفته می‌شوند، به گونه‌ای که در صورت وجود ارتباطات درونی بین عناصر یک جزء، لازم است از مقایسه‌های زوجی برای آن‌ها نیز استفاده شود. اندازه‌گیری مقادیر اهمیت نسبی به کمک طیف ۱ تا ۹ صورت می‌گیرد که در آن امتیاز ۱ بیانگر اهمیت یکسان دو عامل و امتیاز ۹ نشان‌دهنده اهمیت مطلق یک عامل در مقایسه با عامل دیگر است. مقادیر متقابل نیز برای مقایسه معکوس در نظر گرفته می‌شوند، به گونه‌ای که $aji = 1/aji$ (aji اهمیت یا ارجحیت عنصر A_i را نسبت به عنصر A_j نشان می‌دهد. این نوع مقایسه مطابق با روش پیشنهادی ساعتی است (ساعتی، ۱۹۹۰: ۵).

پس از انجام مقایسه‌های زوجی، بردار اولویت موضعی W به صورت برآوردی از اهمیت نسبی عوامل یا عناصر مقایسه شده از طریق مفادله زیر محاسبه می‌شود (همان منبع: ۵).

$$AW = \lambda_{\max} W \quad (1)$$

² - Consistency Ratio

³ - Yuksel and Dagdeviren

⁴ - Shrestha

⁵ - Saunders

¹ - Saaty

ذهنی است و برای برآورد، نیازی به حجم بالای نمونه ندارد (چاین و همکاران^۱، ۲۰۰۸: ۵۲۰۸؛ وال محمدی^۲، ۲۰۱۰: ۴۳۹). در پژوهش حاضر، ۱۲ نفر از کارشناسان خبره اداره جهاد کشاورزی شهرستان چرداول انتخاب شدند. معیار انتخاب این افراد تسلط بیشتر آن‌ها بر موضوع مورد مطالعه و شناسایی موانع مختلف اشتغال زنان روستایی، به تشخیص ریاست جهاد کشاورزی شهرستان‌های مربوطه بوده است. در طراحی مدل و انجام محاسبات نیز از نرم‌افزار سوپر دسیژن^۳ استفاده شده است.

نتایج و بحث

با توجه به مطالب گفته شده، برای اولویت‌بندی موانع اشتغال زنان روستایی شهرستان چرداول ابتدا لازم است مدل شبکه‌ای مورد نظر طراحی و تدوین شود. شکل (۱) مدل نهایی تنظیم شده را نشان می‌دهد. بر اساس مدل تدوین شده، موانع اشتغال زنان روستایی به دو بخش موانع ساختاری و موانع غیرساختاری تقسیم شده است. در بخش موانع ساختاری به بررسی موانع اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی پرداخته شده و در بخش موانع غیر ساختاری، وضعیت فیزیولوژیک و وضعیت روانی و شخصیتی زنان روستایی مورد بررسی است. در شکل (۱) گزینه‌های مربوط به هر یک از زیر معیارها نشان داده شده است. برای مثال، گزینه‌های مربوط به زیر معیار اجتماعی شامل بیسوادی و کم‌سوادی زنان، عدم آموزش زنان و تحصیلات غیر مرتبط می‌باشد. سایر گزینه‌های مربوط به هر یک از زیر-معیارهای مشخص شده در شکل (۱) نشان داده شده است.

باید توجه نمود که در پژوهش حاضر، گزینه‌هایی مانند وظیفه مادری، وظیفه تربیت فرزندان و عاطفی بودن زنان که تا حدودی به هم شباهت دارند، به صورت جداگانه و در قالب گزینه‌های مجزا ارائه شده‌اند. دلیل این امر این است که در خانواده‌های روستایی گاهی مادر به عنوان مدیر اصلی خانواده به حساب آمده و وظیفه مادری وی رسیدگی به تمامی امور خانواده در غیاب همسر خویش بوده و یا به عنوان سرپرست

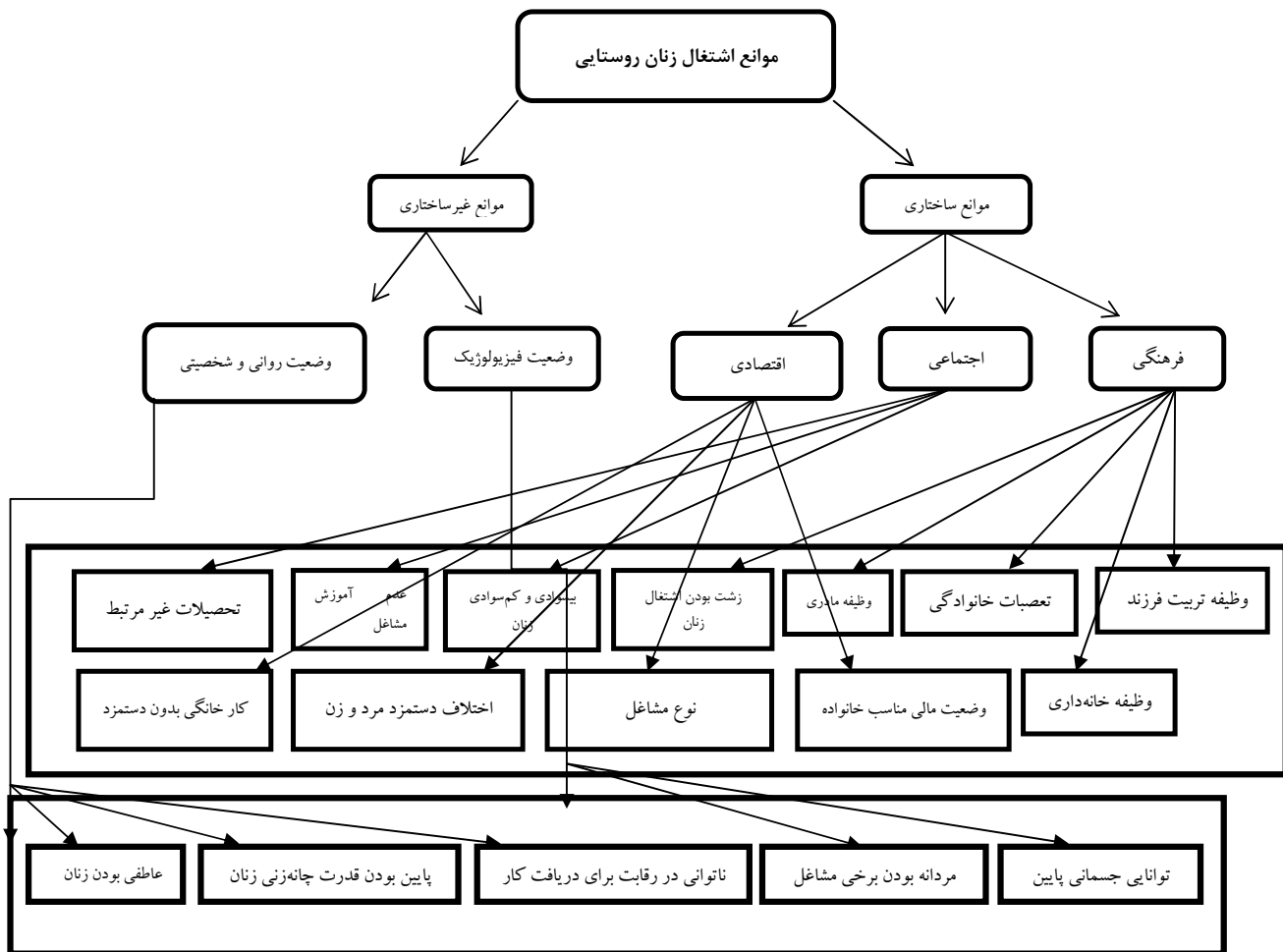
خانواده می‌باشد و وظیفه مادری وی فقط شامل تربیت فرزندان و خانه‌داری نیست. علاوه بر این، در برخی از خانواده‌های روستایی، زنان تنها وظیفه ارتباط با فرزندان و تربیت آنان را بر عهده دارند. بنابراین در این تحقیق وظیفه مادری و وظیفه تربیت فرزندان را به صورت دو گزینه مجزا آورده شده است. عاطفی بودن زنان در پژوهش حاضر به این معنی است که در برخی از خانواده‌های روستایی، زنان پس از ازدواج و تشکیل خانواده، به دلیل احساس قوی عاطفی، نگران زندگی خانواده پدری خود بوده و انرژی و وقت زیادی را در مسیر کمک به خانواده پدری خود صرف می‌کنند. علاوه بر موارد گفته شده، گزینه‌هایی مانند تعصبات خانوادگی و زشت بودن اشتغال زنان نیز از نظر ظاهری بسیار به هم شبیه هستند. از نظر کارشناسان مربوطه تعصبات خانوادگی مربوط به ایجاد برخی قانون‌ها و هنجارهای سفت و سخت برای زنان روستایی است که سبب کاهش حضور آنان در اجتماع شده در حالیکه زشت بودن اشتغال زنان از جمله مواردی است که به دنبال تفکر رفاه برای زنان از طریق ممانعت از اشتغال آنان و تأمین تمامی مایحتاج زندگی بوسیله مردان خانواده ایجاد شده است. در اینجا، مردان، حضور زنان را در فضاهای شغلی زشت دانسته و معتقدند با اشتغال زنان در بیرون از خانه و تأمین هزینه‌های زندگی بوسیله آنان، مردانگیشان به خطر می‌افتد.

پس از جمع‌آوری داده‌ها و تدوین مدل نظری، در نرم‌افزار Super Decision مدل مورد نظر و مسئله پژوهش تدوین شده و یک شبکه منظم از روابط درونی و بیرونی بوجود آمده است. در مرحله بعد، عناصر هر یک از معیارها، زیرمعیارها و گزینه‌های مربوطه با یکدیگر دو به دو مقایسه می‌شوند. مدل تدوین شده در نرم‌افزار Super Decision طراحی شده و در شکل (۲) ارائه شده است. جهت پیکان‌ها بیانگر ارتباط بیرونی بین خوشه‌ها و حلقه‌ها نشانه ارتباط داخلی بین عناصر یک خوشه می‌باشد

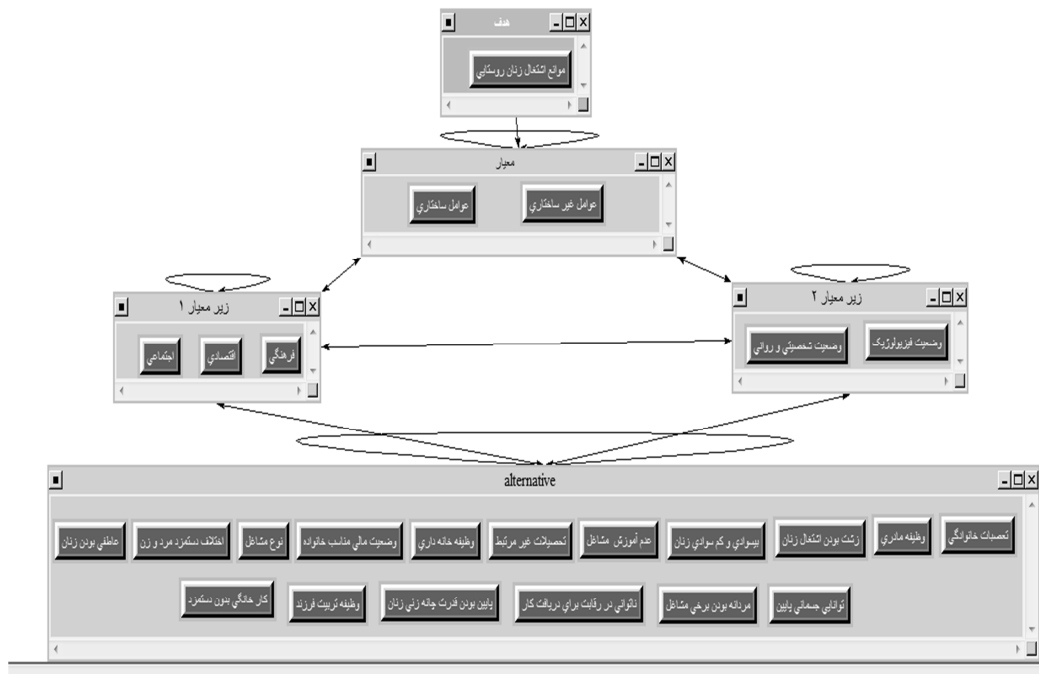
^۱ -Chin

^۲ -Valmohammadi

^۳ - Super Decision



شکل (۱): مدل مفهومی پژوهش: موانع اشتغال زنان روستایی



شکل (۲): ساختار مدل در نرم افزار Super Decision

Name	Graphic	Ideals	Normals	Raw
اختلاف دستمزد مرد و زن		0.638828	0.070323	0.048920
بیسوادی و کم سوادی زنان		0.439675	0.048400	0.033670
تحصیلات غیر مرتبط		0.570339	0.062784	0.043676
تعصبات خانوادگی		0.510413	0.056187	0.039087
توانایی جسمانی پایین		0.542897	0.059763	0.041574
زشت بودن اشتغال زنان		0.228517	0.025156	0.017499
عاطفی بودن زنان		0.456817	0.050287	0.034982
عدم آموزش مشاغل		0.618508	0.068086	0.047364
مردانه بودن برخی مشاغل		0.642023	0.070675	0.049165
ناتوانی در رقابت برای دریافت کار		0.683617	0.075254	0.052350
نوع مشاغل		0.551199	0.060677	0.042210
وضعیت مالی مناسب خانواده		0.083080	0.009146	0.006362
وظیفه تربیت فرزند		0.525938	0.057896	0.040276
وظیفه خانه داری		0.475921	0.052390	0.036445
وظیفه مادری		1.000000	0.110082	0.076578
پایین بودن قدرت چانه زنی زنان		0.654097	0.072004	0.050090
کار خانگی بدون دستمزد		0.462305	0.050891	0.035403

شکل (۳): اولویت بندی موانع اشتغال زنان روستایی شهرستان چرداول

جدول (۱): اولویت بندی موانع اشتغال زنان روستایی شهرستان چرداول

موانع اشتغال	خام	نرمال	ایده آل	اولویت
وظیفه مادری	۱/۰۰۰	۰/۱۱۰	۰/۰۷۶	۱
ناتوانی در رقابت برای دریافت کار	۰/۶۸۳	۰/۰۷۵	۰/۰۵۲	۲
پایین بودن قدرت چانه زنی زنان	۰/۶۵۴	۰/۰۷۲	۰/۰۵۰	۳
مردانه بودن برخی مشاغل	۰/۶۴۲	۰/۰۷۰	۰/۰۴۹	۴
اختلاف دستمزد مرد و زن	۰/۶۳۸	۰/۰۷۰	۰/۰۴۸	۵
عدم آموزش مشاغل	۰/۶۱۸	۰/۰۶۸	۰/۰۴۷	۶
تحصیلات غیر مرتبط	۰/۵۷۰	۰/۰۶۲	۰/۰۴۳	۷
نوع مشاغل	۰/۵۵۱	۰/۰۶۰	۰/۰۴۲	۸
توانایی جسمانی پایین	۰/۵۴۲	۰/۰۵۹	۰/۰۴۱	۹
وظیفه تربیت فرزند	۰/۵۲۵	۰/۰۵۷	۰/۰۴۰	۱۰
تعصبات خانوادگی	۰/۵۱۰	۰/۰۵۶	۰/۰۳۹	۱۱
وظیفه خانه داری	۰/۴۷۵	۰/۰۵۲	۰/۰۳۶	۱۲
کار خانگی بدون دستمزد	۰/۴۶۲	۰/۰۵۰	۰/۰۳۵	۱۳
عاطفی بودن زنان	۰/۴۵۶	۰/۰۵۰	۰/۰۳۴	۱۴
بیسوادی و کم سوادی زنان	۰/۴۳۹	۰/۰۴۸	۰/۰۳۳	۱۵
زشت بودن اشتغال زنان	۰/۲۲۸	۰/۰۲۵	۰/۰۱۷	۱۶
وضعیت مالی مناسب خانواده	۰/۰۸۳	۰/۰۰۹	۰/۰۰۶	۱۷

مأخذ: یافته‌های پژوهش

در جدول (۱)، نتایج حاصل از اولویت بندی نهایی موانع اشتغال زنان روستایی شهرستان چرداول به سه صورت خام، نرمال شده و ایده آل ارائه شده است. اعداد ستون خام همان اعداد سوپر ماتریس حد هستند. ستون نرمال بیانگر نتایج نرمال شده اولویت راهبردهاست. ستون ایده آل از تقسیم اعداد هر کدام از ستون‌های نرمال یا خام بر بزرگترین مقدار ستون مربوط به دست می‌آید. بنابراین، در این ستون، به اولین اولویت عدد یک و به دیگر راهبردها نیز به ترتیب اولویت عددی بین صفر و یک نسبت داده می‌شود.

نتیجه‌گیری

با توجه به نتایج جدول (۱)، موانع اشتغال زنان روستایی شهرستان چرداول از نظر برخی از کارشناسان خبره جهاد کشاورزی شهرستان مذکور اولویت‌بندی شده است. بر اساس نتایج این جدول، کارشناسان مورد مطالعه، مهمترین مانع اشتغال زنان روستایی شهرستان چرداول را وظیفه مادری معرفی نموده‌اند. این گزینه مربوط به زیر معیار فرهنگی است که یکی از عناصر معیار ساختاری می‌باشد. علاوه بر این، اولویت‌نهایی موانع اشتغال زنان روستایی شهرستان چرداول به ترتیب شامل: ناتوانی در رقابت برای دریافت کار، پایین بودن قدرت چانه زنی زنان، مردانه بودن برخی مشاغل، اختلاف دستمزد مرد و زن، عدم آموزش مشاغل، تحصیلات غیر مرتبط، نوع مشاغل، توانایی جسمانی پایین، وظیفه تربیت فرزند، تعصبات خانوادگی، وظیفه خانه‌داری، کار خانگی بدون دستمزد، عاطفی بودن زنان، بیسوادی و کم‌سوادی زنان، زشت بودن اشتغال زنان و وضعیت مالی مناسب خانواده می‌باشد.

وظیفه مادری که به عنوان مهمترین مانع اشتغال زنان روستایی شهرستان چرداول، از نظر کارشناسان منتخب می‌باشد، از جمله عوامل فرهنگی است که در ارتباط با احساس قوی مادرانه است که مختص زنان شرقی و بویژه مادران ایرانی می‌باشد. در این راستا، مادران ایرانی و به‌طور ویژه مادران شهرستان چرداول، تمام وقت و انرژی خود را صرف وظایف مادری مانند سر و سامان دادن به اوضاع خانه و بیرون از خانه و مدیریت ارتباط با فرزندان، بچه‌داری و ... می‌کنند. این وظیفه در مواقعی که مادر به عنوان سرپرست خانواده است، بیشتر نمود پیدا می‌کند. در این راستا، مادران سرپرست خانواده دارای وظایفی بالاتر از وظیفه تربیت فرزندان و یا وظیفه خانه‌داری را بر عهده دارند.

ناتوانی در رقابت برای دریافت کار از جمله مهمترین موانع اشتغال زنان روستایی شهرستان اصفهان می‌باشد. کارشناسان مورد مطالعه معتقدند دومین مانع مهم اشتغال زنان روستایی، ناتوانی زنان روستایی این شهرستان در رقابت برای دریافت کار می‌باشد. زنان روستایی نسبت به مردان از اعتماد به نفس

پایین‌تری برخوردار بوده و اغلب به دلایل مختلف فیزیکی، خانوادگی، اجتماعی، فرهنگی و ... کمتر وارد اجتماع شده و به دلایل گفته شده، قدرت رقابت با مردان را برای کسب فضاهای شغلی تعریف شده در بیرون از خانه ندارند.

سومین مانع مهم اشتغال زنان روستایی شهرستان چرداول از دیدگاه کارشناسان مورد نظر، پایین بودن قدرت چانه‌زنی زنان می‌باشد. در خانواده‌های فقیر روستایی و خانواده‌هایی که زنان به عنوان سرپرست خانواده محسوب می‌شوند، احساس قوی مادرانه، گاهی سبب می‌شود زنان بالاجبار در فضاهای شغلی غیررسمی که دارای درآمد کم بوده و دریافت پول و حقوق به صورت روزانه است قرار گیرند. اینگونه زنان تحمل و صبر کافی برای پیدا کردن کارهای بهتر با حقوق بالاتر را نداشته و در اصطلاحی در جامعه قدرت چانه‌زنی کمی برای دریافت مشاغل بهتر با حقوق کافی را دارند.

یکی از مشکلات و موانعی که بر سر راه اشتغال زنان روستایی شهرستان چرداول وجود دارد، مردانه بودن برخی مشاغل می‌باشد. زنان روستایی در طول تاریخ زندگی روستایی دوشاودش مردان خود در مزارع و دامداری‌ها کار کرده و گاهی بیشتر از حد توان خود به خانواده‌شان کمک نموده‌اند. اما امروزه، بسیاری از مشاغلی که در روستاها و اطراف آن بوجود آمده‌اند کاملاً مردانه بوده و زنان روستایی از امتیاز قرارگیری در آن‌ها محروم شده‌اند. از جمله مشاغل مردانه‌ای که زنان روستایی توانایی حضور در آن‌ها را ندارند، مشاغل خدماتی مانند نگهبانی شرکت‌ها و کارخانه‌های ساخته شده در روستاها، کار در کارخانه‌ها، بنایی و ... می‌باشد.

اختلاف دستمزد مرد و زن به عنوان یکی از مشکلات و موانعی است که بر سر راه اشتغال زنان روستایی شهرستان چرداول قرار دارد. کارشناسان معتقدند، برخی فضاهای شغلی تعریف شده در جامعه بر اساس عدالت نبوده و گاهی سبب استثمار زنان می‌شود. زنان روستایی با آگاهی از چنین حربه‌ای علاقه چندانی به حضور در چنین فضاهایی را ندارند. این امر سبب کاهش احتمال اشتغال زنان روستایی شهرستان مورد نظر شده

زنان بر خلاف مردان، از نظر فیزیولوژیک ضعیف تر بودن و اغلب دارای توانایی جسمانی پایین برای دریافت برخی مشاغل هستند. برخی از مشاغل نیازمند قدرت و توانایی جسمانی مردانه بوده و زنان فاقد امتیاز لازم و کافی برای حضور در آنها هستند. این نتیجه با نتیجه مطالعه شربتیان (۱۳۸۷) که از جمله موانع اشتغال زنان را ناتوانی فیزیکی زنان می‌داند مطابقت دارد.

یکی از وظایف مهم و سنگین زنان در خانواده تربیت فرزند می‌باشد. این وظیفه بسیار مهم بوده و گاهی امنیت و اعتبار یک جامعه وابسته به تربیتی است از دل خانواده‌های آن جامعه بر-می‌خیزد. خانواده‌های روستایی برخلاف خانواده‌های شهری، دارای تعداد فرزندان بیشتری بوده و اغلب نیازمند توجه زیادتری از سوی والدین و بویژه مادر هستند. این وظیفه در اغلب موارد به عنوان مانعی بر سر راه حضور زنان در بازار کار است. به دلیل وجود کارهای زیاد خانه و بیرون از خانه، زنان روستایی، اغلب نسبت به زنان شهری، وقت کمتری در اختیار دارند و در مجموع فرصت زیادی جهت اشتغال و کسب درآمد به صورت رسمی ندارند.

تعصبات خانوادگی و دیدگاه برخی خانواده‌ها در زمینه زن به عنوان جنس دوم و خطاب ضعیفه بودن زنان، از جمله موانعی است که در راه دستیابی زنان به اشتغال وجود دارد. تعصبات خانوادگی یکی از گزینه‌های مربوط به زیر معیار فرهنگی است که در اغلب موارد سبب ایجاد برخی قانون‌ها و هنجارهای سفت و سخت برای زنان روستایی شده و سبب ممانعت از حضور آنان در اجتماع گردیده است. شربتیان (۱۳۸۷) نیز در این زمینه تعصب را به عنوان یک عامل فرهنگی می‌دانند که مانع اشتغال زنان می‌شود. علاوه بر آن چه که در بالا گفته شد، گزینه‌هایی مانند وظیفه خانه‌داری، کار خانگی بدون دستمزد، عاطفی بودن زنان، بیسوادی و کم‌سوادی زنان، زشت بودن اشتغال زنان و وضعیت مالی مناسب خانواده از جمله موانع اشتغال زنان روستایی شهرستان چرداول، از دیدگاه کارشناسان جهاد کشاورزی این شهرستان بوده که بر اساس تحلیل شبکه در اولویت‌های پایانی اهمیت قرار گرفته‌اند.

است. شربتیان (۱۳۸۷) نیز از جمله عوامل ناپایداری در عرصه توسعه اشتغال زنان را اختلاف دستمزد مرد و زن می‌داند.

عدم آموزش مشاغل و فقدان مهارت زنان در زمینه مشاغل موجود در روستای محل زندگی و یا در اطراف آنان به عنوان عامل مهمی است که سبب به حاشیه رانده شدن آن‌ها و عدم پذیرش‌شان در فضاهای شغلی موجود شده است. اغلب مشاغل موجود، نیازمند مهارت در زمینه‌هایی مانند تسلط بر کامپیوتر، ارتباط با ارباب رجوع، زبان و ... می‌باشند که نیازمند آموزش و کسب مهارت هستند. زنان روستایی به دلیل محروم بودن از برخی از امکانات و عدم سهولت دسترسی به برخی کلاس‌ها که در زمینه افزایش مهارت و آموزش مشاغل است، امکان حضور در چنین فضاهای شغلی را ندارند. این نتیجه با نتیجه مطالعه شربتیان (۱۳۸۷) و همچنین، با نتیجه مطالعه لیونز (۱۹۹۲)، که تجربیات تحصیلی زنان و مهارت آموزی آنان را برای گسترش دامنه شغلی آنها در آینده ضروری می‌دانست مطابقت دارد.

تحصیلات غیر مرتبط زنان روستایی شهرستان چرداول با برخی مشاغل تعریف شده با فضای خالی در روستاها و یا اطراف آن، یکی از موانعی است که بر سر راه یافتن شغل برای آنان وجود دارد. برخی از زنان روستایی این شهرستان، دارای تحصیلات در زمینه‌های مختلف بوده و تا به حال موفق به تصاحب شغل در آن زمینه‌ها نشده‌اند، علاوه بر آن، مرتبط نبودن تحصیلات زنان روستایی با فضاهای شغلی سبب ناتوانی آنان برای دریافت کار شده است. دادورخانی (۱۳۸۵) نیز در مطالعه خود سواد را از جمله عوامل تأثیرگذار بر اشتغال می‌داند که سهم آن در ایجاد اشتغال برای زنان بسیار محدود می‌باشد.

کارشناسان مربوطه اظهار داشتند که اغلب زنان روستایی مانند گذشته تمایل به کار و انجام فعالیت‌های تولیدی خانگی و سپس کسب درآمد از طریق آن را نداشته و مایلند در فضاهای شغلی بیرون از خانه قرار گیرند. اما نوع مشاغل و افزایش تقاضای جامعه به سمت مشاغلی که نیازمند سرمایه‌گذاری اولیه بوده، سبب کاهش گرایش زنان برای حضور در بازار کار شده است.

منابع

۱. آذر، عادل، رجب‌زاده، علی، (۱۳۸۱): تصمیم‌گیری کاربردی، انتشارات نگاه دانش، چاپ اول، تهران.
۲. پاسبان، فاطمه، (۱۳۸۵): «عوامل اقتصادی و اجتماعی موثر بر اشتغال زنان روستایی»، اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال چهاردهم، شماره ۵۳، صص ۱۷۶-۱۵۳.
۳. جمشیدی، فاطمه، (۱۳۹۱): بررسی عوامل موثر بر اشتغال زنان روستایی در استان ایلام: مورد شهرستان شیروان و چرداول، پایان نامه کارشناسی ارشد توسعه روستایی. دانشگاه گیلان، گروه توسعه روستایی.
۴. جمشیدی، مریم، (۱۳۸۲): «زنان و توسعه روستایی»، ماهنامه جهاد، سال ۲۳، شماره ۲۵۷، صص ۶۳-۶۰.
۵. دادورخانی، فضیله، (۱۳۸۵): «توسعه روستایی و چالش‌های اشتغال زنان»، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۵۵، صص ۱۸۸-۱۷۱.
۶. راودراد، اعظم، (۱۳۷۹): «تحلیلی بر نقش زن در توسعه با تأکید بر اشتغال»، نشریه علمی پژوهش‌نامه علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی (دانشگاه تهران) - شماره ۱۵.
۷. رفعت‌جاه، مریم، خیرخواه، فاطمه، (۱۳۹۲): «مسائل و چالش‌های اشتغال زنان در ایران از دیدگاه شاغلان پست‌های مدیریتی»، فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی-فرهنگی، سال اول، شماره دوم، صص ۱۵۶-۱۳۰.
۸. سفیری، خدیجه، (۱۳۷۷): جامعه‌شناسی اشتغال زنان، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تیان، چاپ اول، تهران.
۹. شربتیان، محمد حسن، (۱۳۸۷): «بررسی ابعاد و موانع اجتماعی اشتغال زنان»، پیک نور، سال هفتم، شماره سوم، صص ۹۵-۸۵.
۱۰. شیبانی، ابراهیم، افشاری، زهرا، (۱۳۸۰): «اثر رشد بخشی بر اشتغال زنان در ایران (با استفاده از روش داده-ستانده)»، مجله تحقیقات اقتصادی شماره ۵۹، صص ۶۳-۳۷.
۱۱. صالح‌نسب، غلامحسین، (۱۳۷۸): «نقش زنان در توسعه کشاورزی»، سازمان فائو، مجله جهاد، شماره ۳، صص ۲۳۱-۱.
۱۲. علویان، سید محمد رضا، (۱۳۸۱): کار زنان در حقوق ایران و حقوق بین‌المللی کار، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، تهران.
۱۳. کریمی موغاری، زهرا، نظیفی نایینی، مینو، عباسپور، سحر، (۱۳۹۲): «عوامل اقتصادی موثر بر اشتغال زنان در ایران، مطالعات اجتماعی-روانشناختی زنان»، سال ۱۱، شماره ۳، صص ۸۰-۵۳.
۱۴. کریمی، زهرا، (۱۳۸۰): «سهم زنان در بازار کار ایران»، ماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۸۰-۱۷۹، صص ۲۱۹-۲۰۸.
15. Chin, K.S., Chan, B.L., Lam, P.K, (2008): "Identifying and prioritizing critical success factor for competition strategy", Industrial Management and Data Systems, Vol. 108, No. 4, Pp.437-454.
16. Fliescher and Applebam, (1992): "Spatial Differences In the Labour Participation Of Married Women: The Case Of Isroeb", Peripheral Areasin, Rurd Studies ,Vol. 8, No.1.
17. Saaty L. T, (1999): Fundamental of the Analytic Network Process, ISAHP, Kobe Japan.
18. Saaty, T.L. (2005): "Theory and Applications of the Analytic Network Process: Economic, Political, Social and Technical Application with Benefits, Opportunities, Costs and Risks", International Series in Operations Research and Management Science, Vol. 95. New York: Springer.
19. Saunders, M. Lewis, P. Thornhill, A, (1997): Research Methods for Business Students. London: Pitman.
20. Shrestha, R.K. Alvalapati, J.R.R, Kalmbacher, R.S, (2004): "Exploring the Potential for Silvopasture Adoption in South-Central Florida: an Application of SWOT-AHP Method", Agricultural System, Vol. 81, Pp.185-199.
21. Valmohammadi, C, (2010): "Using the analytic network process in business strategy selection: a case study", Austraian Journal of Basic and Applied Sciences, Vol. 4, No. 10, Pp. 5205-5213.
22. Yousefy, A, Baratali, M, (2001): "Women, Employment And Higher Education Schoolings", Procedia Social and Behavioral Sciences, Vol. 15, Pp.3861-3869.
23. Yuksel, I, Dagdeviren, M, (2007): "Using the analytic network process ANP in a SWOT analysis - A case study for a textile firm", Information Sciences, No. 177.
25. Zhang, Y, Hannum, E, M, Wang, (2008): "Gender-Based Employment And Income Differences In urban China: Considering The Contributions Of Marriage And Parenthood", Social Forces, Vol. 86, No. 4, Pp. 1529-1560.